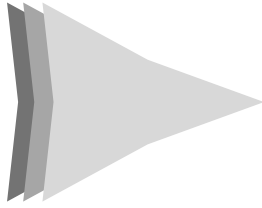


قرارداد پاریس

و حقوق از یاد رفته ایران در افغانستان



افغانستان از ایران منجر شد درج می‌کنیم و سپس یکی از مواد معاهده پاریس را که نشان دهنده حقانیت های ایران در مسأله افغانستان است از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرانیم.

در سپتامبر سال ۱۸۵۶ میلادی (درست ۱۵۵ سال پیش) نیروهای اعزامی ایران به فرماندهی حسام السلطنه فرمانروای وقت خراسان، شهر هرات را از دست یاغیان خارج کردند. یک سال پیش از این واقعه، به شکایت قوم هزاره که محمدخان (ظهیرالدوله) حاکم هرات با آنان بدرفتاری می‌کرد و کریم داد خان هزاره - یکی از سران آنان - را کشته بود، فرمانروای خراسان، "محمدیوسف" را حاکم هرات کرد.

دولت انگلستان در ۳۰ مارس سال ۱۸۵۵ پس از ۱۲ سال جنگ با افغان ها ضمن قراردادی که در پیشاور امضا شد، با آنان صلح کرد. این قرار داد به "دوست محمدخان" حاکم کابل بهانه داد که در صدد ضمیمه ساختن سایر شهرهای افغانستان، از جمله قندهار و هرات به قلمروی خود برآید. سرزمینی که انگلیسی ها در قرن ۱۹ آن را افغانستان نامیدند از آغاز پیدایش امپراتوری ایران گوشه وفاداری از آن بود و قسمت شمالغربی آن، از جمله هرات، بخشی از خراسان محسوب می‌شد و خود شهر هرات مرکز خراسان و فرهنگ و ادب ایران به شمار می‌رفت.

از روز بعد از ترور نادرشاه در فتح‌آباد (۱۰ ژوئن سال ۱۷۴۷) افسران افغانی او هرکدام خود را حاکم یکی از شهرهای آن منطقه نامیدند، ولی همچنان - ولو اسماً - خود را مطیع حکومت مرکزی ایران می‌دانستند. وفاداری نسبت به

به افغانستان لشکر کشید و دولت ایران را تا بدان حد تحت فشار قرار داد که مجبور شد قرارداد موسوم به "قرارداد ۱۸۵۷ پاریس" را امضاء کند. اما در همین قرارداد استعماری نیز ماده‌ای وجود دارد که هم بیانگر حقوق طبیعی ایران در افغانستان است و هم نشان می‌دهد در حوادث سال های اخیر افغانستان، اگر دولتمردان ایران از حقوق پیش بینی شده برای ایران در آن قرارداد استفاده می‌کردند، تا چه حد می‌توانستند بر تغییر مسیر حوادثی که به حضور نظامی آمریکا و انگلیس در شرق و شمال غربی ایران منجر شده است، اثرگذاری داشته باشند.

برای پی بردن به این واقعیت تلخ، نخست خلاصه ای از رویدادهایی را که به جدا شدن

پس از عقب نشینی نیروهای طالبان از کابل، هرات و دیگر شهرهای مهم افغانستان و جایگزین شدن نیروهای وابسته به دولت قانونی این کشور (نیروهای موسوم به اتحاد شمال) انگلیسی ها عزم جزم کردند هزاران نفر از نیروهای ویژه نظامی خود را به بهانه حفظ صلح و امنیت به افغانستان بفرستند. دولت قانونی برهان الدین ربانی با این اقدام مخالفت کرد، اما انگلیسی ها بر عزم خود برای اعزام نیرو، اصرار ورزیدند.

این وضع، رویدادهایی را که ۱۵۵ سال پیش سبب جدایی افغانستان از ایران شد، در اذهان مورخین تداعی کرد. در آن زمان نیز دولت فحیمه انگلیس به بهانه برقراری صلح و ثبات در افغانستان، در امور داخلی ایران مداخله کرد،



سربازان انگلیسی یک بار دیگر و این بار با بهانه‌ای نو به افغانستان (حریم امنیتی ایران) پا گذاشتند.

در ظرف سه ماه از تاریخ میادله تصدیق نامجات عهدنامه حاضره صورت و وقوع پیدا خواهد نمود.

فصل ششم - اعلیحضرت پادشاه ایران قبول می فرمایند که از هر نوع ادعای سلطنت به شهر و خاک هرات و ممالک افغانستان صرفنظر نموده و به هیچ وجه از رؤسای هرات و ممالک افغانستان هیچ گونه علامت اطاعت از قبیل سکه و خطبه یا باج مطالبه ننمایند، و نیز اعلیحضرت پادشاه ایران متعهد می شوند که منبذ از هرگونه مداخله در امور داخله افغانستان احتراز کنند و قول می دهند که هرات و تمام افغانستان را مستقل شناخته و هرگز درصدد اخلال استقلال این ولایت برنمایند. در صورتی که اختلافی مابین دولت ایران و ممالک هرات و افغانستان به ظهور رسد، دولت ایران تعهد می کند که اصلاح آنرا به اهتمامات دوستانه دولت انگلیس رجوع نموده و قوای جبری به کار نبرد، مگر آنکه اهتمامات دوستانه متمرثری نشود. از طرف دیگر دولت انگلیس تعهد می کند که در تمام مواقع نفوذ خود را نسبت به ممالک افغانستان به کار برده و نگذارد که از طرف ممالک مزبور یا یکی از آنها هیچ گونه اسباب رنجش و کدورتی برای دولت ایران ایجاد شود.

هرگاه دولت ایران در موقع حدوث اشکالات به دولت انگلیس مراجعه نمود، دولت مشارالیه نهایت سعی و کوشش را خواهد کرد که اینگونه اختلافات را موافق حق و مطابق شرف دولت ایران اصلاح نماید.

فصل هفتم - هرگاه از طرف یکی از ممالک مزبوره فوق به حدود ایران تجاوزی شد چنانچه استرضای شایسته به عمل نیامد، دولت ایران حق خواهد داشت که اقدامات نظامی برای منع و سیاست (تنبیه) متهاجمین به کار برد. ولی صریحاً مقرر است که هر قدر از قوای نظامی اعلیحضرت شاهنشاه ایران که بدین عزم از سرحد تجاوز نمود به مجرد اینکه به مقصود نایل گردید، به خاک خود مراجعت خواهد کرد و نیز مقرر است که دولت ایران نباید حق فوق الذکر را وسیله قرار داده و شهری یا قصبه ای از ممالک مزبوره را دایماً تصرف یا به ممالک خود منضم نماید.

میانجی گری میان ایران و انگلستان را داد، پذیرفت و در مارس ۱۸۵۷ طبق قرارداد پاریس، ایران تحت شرایطی از هرات و بقیه سرزمین های تابع ایران صرفنظر کرد، ولی انگلستان با وجود این قرارداد تا ۵۰ سال بعد نیز استقلال و تمامیت افغانستان را به رسمیت نشناخت.

حقوقی که نادیده گرفته می شود

در حال، قرارداد ۱۸۵۷ میلادی پاریس، مبنای تشکیل دولت افغانستان بوده است. اما با وجود سلطه بلامنازع انگلستان و ضعف شدید دولت وقت ایران که آن را در حالت انفعال و تسلیم قرار داده بود، به دلیل پیوستگی تاریخی، فرهنگی و تباری افغانستان با ایران، دولت

ایران میان غیرپشتون ها که در شمال و غرب افغانستان زندگی می کنند، بیشتر بوده است. رقابت های مستعمراتی انگلستان و روسیه بر سر افغانستان در طول قرن ۱۹ روحیه خودمختاری را در گروهی از افغان ها تقویت کرد. انگلستان سرزمین افغانستان را کلید شبه قاره هند می دانست و به هر ترتیب که بود می کوشید که روسیه این کلید را به دست نیاورد و این در حالی بود که آن زمان سران تهران تمایل بیشتری به روسیه داشتند تا انگلستان.

خودمختاری طلبی امیران مناطق افغانستان سبب شد که دولت ایران در سال ۱۸۳۶ به هرات لشکر بکشد، زیرا برای تهران، جدایی هرات ابداً قابل قبول نبود. در سال ۱۸۵۶ میلادی، محمد یوسف که با تأیید فرمانروای خراسان حاکم هرات شده بود، وقتی که شنید دوست محمدخان "قندهار" را تصرف کرده عملاً از اطاعت حکمران خراسان سرباز زد. فرمانروای خراسان نیز برای گوشمالی او "سام خان" را با چند دسته سرباز به آنجا فرستاد. محمدیوسف از در اطاعت داخل نشد و حسام السلطنه خود با لشکر خراسان به هرات رفت و ۲۶ سپتامبر ۱۸۵۶ محاصره هرات شکسته شد و یاغیان فرار کردند.

انگلستان که در فکر ایجاد کشور افغانستان برای حایل بودن میان روسیه و هند بود به تهران اخطار داد و چون از تهران جواب فوری نشنید، مناسبات سیاسی خود را با ایران قطع کرد و روز اول نوامبر (۱۰ آبان ۱۸۵۶) به ایران اعلان جنگ داد و در ژانویه سال بعد (۲ ماه و ۲ هفته بعد) بوشهر را به تصرف درآورد و نیرو روانه جزیره خارک و خوزستان کرد.

انگلستان برای خروج ایران از هرات شتاب داشت زیرا روس ها به تصرف آسیای میانه دست زده بودند و به خویه و مرو که هنوز از ایران - ولو اسماً - اطاعت می کردند، رسیده بودند و از قشون اعزامی ایران برای نجات مرو به علت ایجاد اختلاف میان فرماندهان آن کاری برنیامد. میرزا محمدخان قاجار که با یک تیپ از تهران عازم دفاع از بوشهر شده بود، پس از تصرف بندر به آنجا رسید!!

حکومت تهران که از تحولات اروپا و آسیای خاوری و جنوبی بی خبر بود، به محض این که شاه وقت فرانسه - ناپلئون دوم - پیشنهاد

بعد از ۱۵۵ سال، بار دیگر
انگلیسی ها به افغانستان بازگشتند.
منتهی این بار از دری دیگر و با
بهانه ای جدید

انگلیس ناگزیر شد حق مداخله ایران در افغانستان را تحت شرایط خاصی بپذیرد. معاهده پاریس هنوز به قوت خود باقی است و لذا این حقوقی (که در زیر به آن اشاره می شود) نیز می تواند مورد استفاده ایرانیان قرار گیرد. (مثلاً زمانی که طالبان بر هرات مسلط شد و عوامل آن با تجاوز به مناطق شرقی خراسان و گروگان گیری های متعدد، امنیت ایران را عملاً به خطر انداختند.)

در زیر سه فصل از معاهده مزبور را که به این حقوق مربوط می شود، مطالعه می فرمایید. (علاقه مندان برای آگاهی از متن کامل قرارداد می توانند با دفتر مجله تماس بگیرند.)

فصل پنجم - به علاوه اعلیحضرت پادشاه ایران متعهد می شوند که اقدامات فوری به عمل آورند برای اینکه از خاک و شهر هرات و تمام نقاط افغانستان عساکر و مأمورین ایران را که فعلاً در آنجاها هستند بیرون آورند، این تخلیه